دستور سَلخ محرم ۱۳۴۶ (۱۳۰۶/۰۵/۰۷)

حضرت حاج شیخ محمد حسن بیدختی گنابادی صالح علیشاه طاب ثراه

توسط آقای شیخ اسدالله گلپایگانی ایزدگشسب «درویش ناصرعلی»

سَلخ محرّم ۱۳۴۶ قمری

هو

۱۲۱

عرض می‌شود مرقومهٔ آن برادر مکرّم رسید، خداوند بر توفیقات و محبّتِ آن برادر بیفزاید. در باب جلسات فقری لَیالی جمعه و دوشنبه و ترتیب آن سؤال شده بود بطور اِجمال عرض می‌شود که مقصود از اجتماع جمعه و دوشنبه، تذکّر و تفکّر و اِحیاء اَمر دین است که در شب و روزِ جمعه مخصوصاً که عید اسلامی است، اگر تمامِ آن را به عبادت نیست قدری از آن را به عبادت باشند. و البتّه اصلِ عبادت، اصلاح قلب و توجّه دل است بسوی خداوند که فرمود: **اِنَّ فی بَدَنِ ابنِ آدَمَ لَمُضغَةً اِذا صَلَحَت صَلَحَ البَدَن**. و این توجّه مُنافات با خواندن کتاب و غیره ندارد، بلکه چون نفسِ انسانی شاغله است، باید در اوّل او را مشغول نمود، و همین توجّهات را مُمِدّ توجّه قلبی و استغراق نمود. خواندن کُتب و اَشعار عرفاء برای مُبتدئین خصوصاً در این زمانه، مانع مذاکرات متفرّقه و موجب توجّه نمودن و سکوت است. و کتب بزرگان هم که در واقع نامه‌های عمومی آنها است به مؤمنین، و منظور هم خواندن و تعلیم و اِستفاضه بوده است، غالباً با ذکر معارف حقّه است که دانستنی است و بصیرت می‌آورد، و تأمّل در آنها قوّهٔ تفکّر را بیدار می‌کند، و این تَلَقّی و تقلید و استفاده به علم و یقین می‌کشاند. یا ذکر منازلِ راه و کیفیتِ سفر اِلی الله و خطرات و رَفع آن است، که برای رفتگان، حکم سفرنامهٔ مُلذّه، و برای رَوندگان، رفیق و مُساعد و مُشوّق است. یا دستوراتِ اَعمال قلب و قالب و ذکر احکامِ ظاهر و باطن است که بر حسب تکلیف باید دانست. یا ذکر حالات سَلَف و بزرگان گذشته است که مَزیدِ بصیرت و موجب عبرت، و تَهییجِ نفس، و سرمشقِ ارادت و همّت است. یا ذکرِ حالاتِ وارداتِ گوینده، مُخبِر از شور و جذبِ آنهاست که باعث تشویق سُلاّک است. یا مناجات و اَدعیه است که جان را به یاد وطن، و حبیب را به یاد محبوب می‌اندازد و هکذا. پس کُتب هم برای اشخاصی که در خطّ تعلّم و سلوک باشند بسیار مفید است. و خواندنِ اَشعار آنها علاوه بر تذکّر، در بعضی اوقات و مناسبِ حال اشخاص، مؤثّر و روح را بهتر متوجّه می‌سازد، خصوصاً با صوتِ حَسَن اگر خوانده شود.

و اجتماع هم محبوب خدا و بندگان خدا بوده و هست، در صورتی که از روی وجههٔ الهی که وجههٔ جامعه و مایهٔ اتّحاد و محبّت است باشد، و با دلهای صافیه صورت پذیرد و **تَحسَبُهُم جَمیعاً و قُلوبُهُم شَتّی** نباشد. و در اجتماع چون نفس نقش پذیر است و از یکدیگر در نیکی و بدی بزودی

مُتأثّر می‌شود، و زودتر حال توجّه پیدا می‌شود، و نُفوس اَقویاء در ضُعفاء مؤثّر می‌شود، و آنها را صُعود می‌دهد. و یک صاحبدل انجمنی را مُنقلب می‌نماید. و اجتماع موجب برکت و خیر دنیا و آخرت است، و حقّ تعالی به نظر مرحمت در آن مجمع نظر می‌فرماید، و اِحیاء اَمر دین هم بهتر مُیسّر می‌شود، و محبّت و دوستی با یکدیگر که مأمورٌ به است بهتر ظهور می‌کند، بلکه خودِ ملاقات و زیارت که برای نظرِ دُنیوی و اَغراض نباشد باعثِ هیجان و بُروز محبّت است که یگانه اساس است.

و در اجتماع تعهّد اُمور می‌شود، و واقف بر حوائجِ یکدیگر شده، مُساعدت همدیگر و قضاء حوائج می‌نمایند. اگرچه آن کس که حاجت دارد خوب است به غیر حقّ تعالی ابراز ننماید، و اِستعانت از او جوید. اگرچه حکایت، مُنافی با اِتّکال بر حق نیست، ولی مخصوصاً در این گونه مَجامع حَتّی الامکان اگر اظهار ننماید، و به حق واگذارد، و خالصاً و مخلصاً حاضر شود، اولی است. اِن شاءَالله خداوند کفایت مُهمّات او می‌فرماید کـه: **مَن جَعَلَ هَمُّهُ واحِداً کَفاهُ اللهُ سائِرِ هُمُومِهِ**. و در واقع جمعه و نماز جمعه که یکی از احکام مُهمّهٔ اسلامی است، که به واسطهٔ غیبت فراهم نیست، نتایج و مصالح آن در این اجتماع منظور شده.

پس در مَجامعِ فقری بعد از نماز، در هر حال باید متذکّر و به یاد حقّ تعالی بود و توسّل به راهنمای خود داشته، او را صاحب انجمن دانست. و اگر این حال بود، اگر صورتاً خاموش بوده، به توجّهِ قلبی و به صِرفِ ربطِ قلوب اِکتفاء نمایند، مقصود حاصل است. ولی اگر کتاب و اَشعار بزرگان دین هم خوانده شود، مُنافی توجّه دل و اِستغراق نیست، بلکه در هر مقام باید نفس را عادت داد بر خلوت در جَلوت، و ملاحظهٔ وحدت در کثرت، و مشغول نداشتنِ شَأنی از شأن دیگر، و از این راه حواسّ را جمع، و وجههٔ توجّه را ممکن است یکی گردانید. و خواندن کُتب مرحوم **آقای سلطانعلیشاه** شهید قُدّسَ سِرّه و صالحیهٔ مرحوم **آقای نورعلیشاه** غریب اگر مُرتّباً خوانده شود، که باعث اطّلاع مُبتدئین و تذکّر سایرین هم هست، بلکه موجب تذکّر و بستگی محبّت هم هست، مخصوصاً که در حال تذکّر، ذُکاء نفس و حِدّتِ هوش زیادتر و مطالب مؤثّرتر است، و اگر اشتباهی بود به اجتماعات رفع می‌شود. و بعد هم مثنوی مولوی و کلیات شیخ عطّار و اَمثال آنها را از فرمایشات عرفاء، برای تحریکِ شوق و تَهییجِ حال طلب، مُمدّ است.

و اندازهٔ مدّت نشستن و محلّ آن، بر حسب موقعیتِ محلّ و اشخاص و منزل و حالات، مختلف می‌شود. و غالباً تا دو ساعت از شب اقلاً مجتمع باشند، و اگر بر حسب اِقتضاء و وقت و محلّ، طوری مقتضی بود که اجتماع به نام «روضه» باشد، حَتّی المقدور واعظِ فَهیمی نُطق نماید و روضه خوانده شود و همان مطالب به این عنوان از او اِستماع شود، و مقصود حاصل و ضرری ندارد.

ممکن است همین ورقه را در مجمعِ اخوان قرائت نمایید. خدمت تمام اخوانِ صفا سلام عرض دارم، و توفیق عمل و اَدای وظیفه خواهانم.

وَالسَّلامُ عَلَیکَ وَفَّقَکَ اللهُ ونَوَّر قَلبَکَ

محمّد حسن گُنابادی صالح علیشاه